



مبارزات توده‌ای و توطئه نروزی ارتجاع اسلامی

افزایش احتمال درگیری‌های نظامی میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی

در حالی که تشدید تحریم‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد، روز پنجشنبه ۷ فروردین، وزیر خارجه جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرد که پاسخنامه ترامپ به جمهوری اسلامی از طریق عمان ارسال شده است.

در همان حال رئیس شورای راهبردی روابط خارجی رژیم گفت: "راهبرد آمریکا دعوت به مذاکره، در سایه تشدید تحریم‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی است، با این هدف که ایران تحت فشار به مذاکره‌ای تن دهد که نه اصول حاکم بر آن روشن است و نه بر اساس تجارب گذشته، می‌تواند به وعده‌ها و امضاهای طرف مقابل خود اعتماد کند. نتیجه این راهبرد چیزی جز تحمیل خواست یک‌طرف به‌طرف مقابل در فضای تحکم و تهدید نیست.

آن‌ها فکر می‌کنند می‌توانند ما را به مذاکره‌ای بکشانند که از قبل نتیجه آن مشخص شده است. جمهوری اسلامی ایران همه راه‌ها را برای مذاکره نبسته، بلکه آماده مذاکره غیرمستقیم جهت ارزیابی طرف مقابل، اعلام شرایط خود و اتخاذ تصمیم مقتضی است."

چنانچه از اظهار نظر مقامات جمهوری اسلامی برمی‌آید، رژیم حاکم بر ایران در یک تناقض و بن‌بست گرفتار آمده است. از یکسو زیر فشار تهدیدات دولت آمریکا و وخامت اوضاع داخلی، خود را در شرایطی می‌بیند که ناگزیر به مذاکره "غیر شرافتمندانه" است و از سوی دیگر پیشاپیش می‌داند که هرگونه مذاکره‌ای به معنای پذیرش خواسته‌های دیکته شده طرف مقابل است. از این‌رو برای نجات از این بن‌بست به تاکتیک قدیمی خود، مذاکره غیرمستقیم روی آورده است. اما آیا این تاکتیک راهی برای خروج از

در صفحه ۲

مراسم نروزی امسال تا آنجا که به حضور مردم در مکان‌های تاریخی و فرهنگی برمی‌گردد، در شکل و شمایل دیگری و در ابعاد گسترده تری برگزار شد. این مراسم یکبار دیگر شمایی از روحیه اعتراضی توده‌های مردم و مقابله با حاکمیت و باورهای مذهبی آن را به نمایش گذاشت.

واقعیت این است که توده‌های زحمتکش مردم زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و معیشتی

در صفحه ۳



ایمنی محیط کار در گرو تشکل و همبستگی کارگری است

در صفحه ۱۲

اعتراضات در ترکیه، پاسخی به بحران‌های ناشی از سیاست‌های طبقه حاکم

در هفته‌های اخیر، موجی از اعتراضات گسترده ترکیه را فرا گرفته است. گرچه اعتراضات در ترکیه به سیاست‌های حزب "عدالت و توسعه" به رهبری طیب رجب اردوغان از مدت‌ها پیش در جریان بود، اما در پی بازداشت شهردار استانبول، اکرم امام‌اوغلو، از رهبران برجسته حزب "جمهوری‌خواه خلق"، در ۱۹ مارس ۲۰۲۵، شدت یافت و ابعاد جدیدی به خود گرفت. دولت ترکیه امام‌اوغلو را به اتهام فساد مالی و ارتباط با سازمان‌های تروریستی بازداشت کرد؛

در صفحه ۶

پیام اصلی سخنان نروزی خامنه‌ای بن بست حکومتی که به پایان سلام می‌کند

خامنه‌ای رهبر مستبد و جنایتکار جمهوری اسلامی در به‌اصطلاح پیام نروزی خود، بسان سال‌های سپری شده، بار دیگر یک موضوع اقتصادی را شعار سال تعیین کرد. او گفت: "در سال گذشته ما (یعنی فرد خامنه‌ای که همیشه خودش را ما می‌نامد) شعار جهش تولید با مشارکت مردم را مطرح کردیم که این برای کشور لازم بود بلکه به یک معنا حیاتی بود. حوادث گوناگون سال ۱۴۰۳ مانع از آن شد که این شعار به تمام معنا تحقق پیدا بکند. البته

در صفحه ۵

پیام نروزی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در صفحه ۹

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
در محکومیت تفرقه و نفرت پراکنی نژادپرستانه رژیم در ارومیه

در صفحه ۸

پیام سازمان فدائیان (اقلیت) به یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

در صفحه ۴

مبارزات توده‌ای و توطئه نروزی ارتجاع اسلامی

بن‌بست است؟

اولاً- بعید به نظر می‌رسد که طرف آمریکایی پای مذاکره غیرمستقیم بیاید. چراکه این‌یک تاکتیک شناخته‌شده جمهوری اسلامی به‌عنوان تاکتیک وقت‌کشی برای موکول به محال کردن حل مسائل مورد اختلاف است. یعنی مذاکره از طریق واسطه‌هایی است که پاسخ به خواست طرف مقابل، زمان می‌برد و لو این‌که طرفین در دو اتاق جداگانه در یک کشور ثالث با یکدیگر گفتگو کنند. ثانیاً- به فرض که دولت آمریکا با محاسبه جلوگیری از تنش‌هایی که ممکن است از جانب جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه و خلیج‌فارس رخ دهد یا با وساطت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی چنین مذاکره‌ای را بپذیرد، بی‌تردید به‌زودی به شکست خواهد انجامید. چراکه دولت آمریکا خواسته‌هایی را به میان کشیده است، که لااقل پذیرش یک مورد آن به معنای پایان تمام ادعاهای هژمونی‌طلبانه رژیم در منطقه خاورمیانه و حتی ادعاهای موهوم ضد صهیونیستی آن خواهد بود. آنچه ترامپ از جمهوری اسلامی خواسته است، حول سه محور اصلی خلاصه می‌شود: توقف تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم، پایان دادن به حمایت نظامی و مالی از گروه‌های اسلام‌گرای مسلح و درنهایت موضوع سلاح‌های موشکی است.

اولین آن برچیده شدن تأسیسات هسته‌ای به نحوی است که تحت کنترل مداوم قرار گیرد و امکان دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای منتفی شود. بر طبق گزارش‌هایی که از قول مقامات دولت آمریکا انتشار یافته، ترامپ خواستار توقف کامل غنی‌سازی بالای ۶۷ / ۳ درصد و دسترسی کامل بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شده است. جمهوری اسلامی در مورد پذیرش این خواست ترامپ البته با کمی چانه‌زنی، مشکلی ندارد. چراکه بر سر این مسئله فقط با آمریکا درگیر نیست، بلکه با قدرت‌های اروپایی عضو شورای امنیت نیز درگیر است و از آن بیم دارد که در چند ماه آینده آن‌ها با فعال کردن مکانیسم ماشه، تمام تحریم‌ها را برگردانند. مشکل جمهوری اسلامی اما بر سر پذیرش خواست دوم دولت آمریکا، پایان دادن به حمایت مالی و تسلیحاتی از نیابتی‌های خود از جمله حوثی‌های یمن و حزب‌الله لبنان، منحل کردن برخی از آن‌ها نظیر حشدالشعبی و عدم دخالت در کشورهای دیگر است. این خواستی است که برای جمهوری اسلامی پذیرفتنی نیست. چون نه‌فقط به معنای پایان ادعاهای هژمونی‌طلبانه در خاورمیانه، بلکه پایانی بر ادعای اسلام‌گرایانه رژیم برای سرنگونی دولت اسرائیل و به‌اصطلاح آزادی قدس خواهد بود. یعنی پایان یافتن سیاستی است که پایه آن با موجودیت جمهوری اسلامی در خاورمیانه گذاشته شد. بنابراین در نامه جمهوری اسلامی به ترامپ هرگونه مذاکره‌ای بر سر این مسئله رد شده است. از این‌رو به نظر می‌رسد که گزارش شبکه المیادین وابسته به حزب‌الله لبنان در این مورد با واقعیت منطبق باشد. به گزارش این شبکه، جمهوری اسلامی در نامه

خود تأکید کرده است که "به‌هیچ‌وجه به نمایندگی و نیابت از هیچ نیروی منطقه‌ای مذاکره نخواهد کرد و شروط غیرواقع‌بینانه ترامپ را هرگز نمی‌پذیرد."

این گزارش می‌افزاید که در این نامه آمده است، هرگونه تهدیدی با پاسخ مواجه خواهد شد، پاسخی که تمامی منافع آمریکا در منطقه را در بر خواهد گرفت.

همین موضع‌گیری به شکلی دیگر از سوی سفیر جمهوری اسلامی در عراق تکرار شده است. سفیر جمهوری اسلامی در مصاحبه با یک شبکه تلویزیونی عراقی در پاسخ به خواست ترامپ برای انحلال گروه حشدالشعبی توسط جمهوری اسلامی گفت: حشدالشعبی یکنهاد نظامی عراقی است و فقط مسئولان خود آن کشور می‌توانند درباره آن تصمیم‌گیری کنند. وی افزود: انحلال این گروه در نامه ترامپ به خامنه‌ای خواسته‌شده است.

بنابراین روشن است که حتی با فرض پذیرفته شدن مذاکره غیرمستقیم، این مذاکرات به نتیجه‌ای نخواهد انجامید.

اما با عدم پذیرش مذاکرات غیرمستقیم از سوی آمریکا یا شکست آن، چه اتفاقاتی ممکن است رخ دهد؟ در طول چند روز گذشته دولت آمریکا، نه‌فقط تحریم‌ها را تشدید کرده بلکه علاوه بر آن، چندین کشتی حامل نفت جمهوری اسلامی را توقیف کرده است. به گزارش بلومبرگ، حداقل ۱۱ نفت‌کش حامل نفت ایران این هفته در نزدیکی مالزی متوقف شده‌اند. اما مهم‌ترین تحولات در این است که در روزهای اخیر گزارش‌های موثقی از گسیل تجهیزات نظامی پیشرفته آمریکایی به پایگاه نظامی دیه‌گو گارسیا در اقیانوس هند و آماده‌باش نظامی نیروهای نظامی آمریکایی انتشار یافته است. بر طبق این گزارش‌ها در هفته گذشته تعدادی بمب‌افکن‌های رادار گریز بی-۲ به پایگاه دیه‌گو گارسیا، گسیل‌شده و تعداد دیگری از همین بمب‌افکن‌ها از پایگاه وایتمن در میسوری به‌سوی این پایگاه حرکت کرده‌اند. بمب‌افکن‌های بی-۲ قابلیت نفوذ به سامانه‌های دفاعی سنگین و هدف قرار دادن مراکز زیرزمینی با بمب‌های عظیم نفوذ گر مهمات انبوه را دارند.

"همچنین ۱۱ فروند هواپیمای سوخت‌رسان بوئینگ کی‌سی-۱۳۵ استراتوتانکر، ۳ هواپیمای ترابری سی-۱۷ و احتمالاً یک هواپیمای گشت دریایی پی-۸ پوسایدون در این پایگاه دیده شده‌اند."

خبرگزاری‌ها همچنین گزارش کرده‌اند که جنگنده‌های پیشرفته اف-۳۵ نیز به خاورمیانه اعزام شده‌اند. مأموریت ناو هواپیمابر ترومن در خاورمیانه تمدیدشده و ناو کارل وینسون نیز به منطقه اعزام شده است.

به نظر نمی‌رسد که گسیل این حجم از بمب‌افکن‌های پیشرفته و ناوهای جنگی، صرفاً پشتوانه تهدیدات ترامپ برای ترساندن جمهوری اسلامی باشد. واقعیت این است که در اوضاع کنونی جهان و منطقه خاورمیانه، احتمال درگیری‌های نظامی میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر

افزایش یافته است.

اما محدوده این درگیری‌های نظامی احتمالی تا کجاست؟ به نظر می‌رسد که در وهله نخست هدف دولت آمریکا چیزی فراتر از بمباران محدود چند مرکز نظامی و هسته‌ای جمهوری اسلامی نخواهد بود. واکنش جمهوری اسلامی اما تعیین‌کننده مراحل بعدی این درگیری نظامی است. سران و مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی تهدید به اقدامات نظامی متقابل کرده‌اند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه هفته گذشته در واکنش به تهدیدات نظامی دولت آمریکا گفت که نیروهای مسلح آماده مقابله‌اند. برخی از فرماندهان نظامی نیز تهدید کرده‌اند که پایگاه‌های نظامی دولت آمریکا را در کشورهای منطقه هدف قرار خواهند داد. احتمال مسدود شدن تنگه هرمز نیز منتفی نیست. باین‌همه بعید است که جمهوری اسلامی تهدیدات خود را عملی کند و واکنش جدی نشان دهد. چراکه می‌داند پی آمد آن تشدید بمباران‌ها و مهتر از آن احتمال بروز شورش‌های داخلی از سوی مردم ناراضی از سیاست‌های ارتجاعی رژیم است. اما درهرحال، چنانچه جمهوری اسلامی واکنش نظامی نشان دهد، با وضعیتی به‌مراتب شدیدتر از یمن روبه‌رو خواهد شد و پیوسته مراکز نظامی و دولتی هدف بمباران‌های سنگین قرار خواهند گرفت. گرچه هدف اقدامات نظامی دولت آمریکا ظاهراً مراکز مختلف نظامی و هسته‌ای وابسته به رژیم خواهد بود، اما همانند تحریم‌ها که بار اصلی آن بر دوش توده‌های زحمتکش قرار گرفته، درگیری‌های نظامی نیز به اشکال مختلف بر زندگی توده‌ها تأثیر خواهد گذاشت و فشار بر مردم ایران را افزایش خواهد داد. اما در این میان نقش مردم ایران چیست و چه باید بکنند؟

دولت‌های ارتجاعی همواره تلاش می‌کنند اختلافات خود را حتی با توسل به جنگ و درگیری نظامی حل کنند. اما فشار تمام بار سیاست‌های ارتجاعی خود را بر دوش توده‌های زحمتکش مردم قرار می‌دهند و سرانجام هم با یکدیگر سازش می‌کنند. مردم ایران این واقعیت را در جریان جنگ ۸ ساله دیدند و آن را تجربه کردند. کسی هم نباید تردیدی داشته باشد که امپریالیسم آمریکا هرگز خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نبوده است. هدف از نزاع کنونی نیز گرفتن امتیاز و واداشتن جمهوری اسلامی به تبعیت است. آنچه اکنون میان دو دولت آمریکا و جمهوری اسلامی می‌گذرد، نزاع میان دو دولت ارتجاعی است که هریک در پی منافع خود است که ربطی به خواست و منافع مردم ایران ندارد، اما تمام فشار بار این نزاع را بر دوش مردم قرار داده‌اند. برای مردم ایران راه نجاتی از شر سیاست‌های ارتجاعی و اوضاع فلاکت‌باری که جمهوری اسلامی آفریده جز این وجود ندارد که به پا خیزند، ابتکار عمل را به دست بگیرند و به مبارزه‌ای همه‌جانبه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و نجات از فجایعی که به بار آورده است، روی آورند. نزاع میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا، نزاعی میان دنیروی ارتجاعی است. کارگران و زحمتکشان باید با روی‌آوری به انقلاب، به زیر کشیدن نظم موجود به دست گرفتن زمام امور کشور از طریق استقرار یک حکومت شورایی به این درگیری‌ها و فجایع ناشی از آن، پاسخ دهند.

مبارزات توده‌ای و توطئه نروزی ارتجاع اسلامی



نمود از ادامه تجمعات در روزهای بعد جلوگیری کند.

گرچه سرکوب و بگیر و ببند، اصلی ترین تاکتیک مقابله ارتجاع اسلامی با تجمعات اعتراضی و توده‌ایست، اما یگانه تاکتیک آن نیست. شواهد موجود و خبرهای گوناگون انتشار یافته حاکی از آن است که نیروها و مزدوران اطلاعاتی رژیم از نمونه نیروهای وابسته به سپاه و بسیج و سازمان اطلاعات، در تجمعات اخیر و تجمعات مشابه آن حضور یافته‌اند. این نیروها با حضور برنامه ریزی شده در تجمعات نه فقط به شناسایی و شکار فعالان سیاسی و سازمان‌دهندگان تجمعات اعتراضی می‌پردازند، بلکه سعی می‌کنند با طرح شعارهای انحرافی، تجمع اعتراضی را منحرف و بی‌اعتبار سازند. در طرح شعارهای سلطنت خواهی و رضاشاهی برخی تجمعات اخیر نیز همین ها نقش مهمی ایفا کردند و می‌کنند. نفوذ عناصر سپاه و اطلاعات رژیم در درون سلطنت طلبها و جانبداری نوه رضاخان از سپاه پاسداران و فرماندهان آن از نمونه قاسم سلیمانی، البته موضوع جدیدی نیست. اتحاد عملی سلطنت خواهان و ارتجاع اسلامی نیز امری تصادفی نیست. چه سلطنت خواهان چه جمهوری اسلامی، هر دو شدیداً مخالف برآمد های رادیکال توده ای و کارگری برای تغییر بنیادی نظم موجود و تحولات ریشه ای اقتصادی و اجتماعی‌اند. هر دو مدافع سرسخت نظام سرمایه‌داری‌اند. هر دو دشمن آشتی ناپذیر چپ های انقلابی، کمونیست‌ها و طبقه کارگرند و به جرأت می‌توان ادعا کرد که این دو گرایش عمیقاً ارتجاعی، در تمام این زمینه‌ها منافع مشترک واحدی دارند و در واقع دو روی یک سکه‌اند. یک روی سکه، فاشیسم و پان اسلامیسیم است، روی دیگر آن ناسیونالیسم افراطی و نئوفاشیسم!

کارگران و زحمتکشان البته به ماهیت واقعی این دو نیروی فوق ارتجاعی پی برده‌اند. بیهوده نبود که زحمتکشان بلوچستان و توده های مردم سایر استان ها در جریان تظاهرات و نبردهای خیابانی سال ۱۴۰۱ شعار "سلطنت، ولایت، یکصدسال جنایت" سردادند. بیهوده نبوده است که با شعارهایی چون "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر"، "نه سلطنت نه رهبری - دموکراسی، برابری" ماهیت یکسان این دو نیرو را برملا و با آن مرزبندی کرده‌اند.

شیوه مقابله طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن با جنبش‌های اعتراضی توده مردم و از جمله تجمعات خیابانی اما فقط به این تاکتیک خلاصه نمی‌شود. ایجاد تفرقه و دشمنی، نفرت افکنی قومی از دیگر سیاست های شناخته شده

در صفحه ۴

در نیشابور برگزار کردند. پرشورتر از همه جا کردستان بود که به استقبال نوروز شتافت و در شهرهایی چون سقز، سنندج، مریوان، سردشت، اشنویه، پیرانشهر، اسلام آباد، سروآباد، قصرشیرین، کرمانشاه و همچنین ارومیه و برخی شهرهای دیگر تجمعات گسترده ای برپا شد. در این تجمعات ده ها هزارتن از مردم با برافروختن آتش و رقص و شادی و پایکوبی به استقبال بهار و نوروز شتافتند. در هیچ یک از تجمعات نروزی، نشانی از عزاداری و "محوریت قرآن" وجود نداشت.

در حالی که ارتجاع اسلامی زانوی غم در بغل داشت و سیه‌پوشان سرگرم عزاداری بود، تجمعات نروزی، رنگارنگ و سرشار از شادی و رقص و پایکوبی بود. این واقعیت نیز یکبار دیگر تصویر روشنی از بیگانگی حاکمیت با مردم را به نمایش گذاشت. فقط حجاب اسلامی نیست و نبود که توده مردم و قبل از همه زنان شجاع و مبارز، بساط آن را از خیابان برچینند و ضربه سختی بر باورهای مذهبی ارتجاع حاکم وارد ساختند، جریان مبارزه علیه رژیم و خواست تغییر وضع موجود که به یک خواست عمومی تبدیل شده است، یورش به جنبه های دیگری از این باورها را در پی داشته و بیش از این خواهد داشت.

در تجمعات نروزی نه فقط حرفی و نشانی از عزا و عزاداری نبود، نه فقط کمترین همراهی و همراستایی با قید و بندهای و نیات حکومتی نبود، که برعکس، شعارهایی نیز علیه آن داده شد. در برخی از این تجمعات شعار "زن، زندگی آزادی" و نیز شعارهایی در دفاع از مبارزان و جانب‌اختگان جنبش انقلابی ۱۴۰۱ نیز سر داده شد. تجمعات نروزی که از اواخر سال ۱۴۰۳ به مناسبت چهارشنبه سوری آغاز شده بود، در روز تحویل سال و نیز روزهای بعد از آن ادامه یافت.

دهن کجی آشکار مردم به معیارها و توصیه های مذهبی ارتجاع حاکم، رقص و شادی و پایکوبی توأم با طرح شعارهایی که گاه کل نظام را زیر ضرب می‌گرفت، موضوعی نبود که رژیم آن را تحمل کند. حال که ارتجاع اسلامی نتوانسته بود از تجمعات خارج از محدوده کنترل خویش جلوگیری کند، مثل همیشه به سرکوب و توطئه علیه آن متوسل شد. ده ها تن از جمع کنندگان تحت عناوین و بهانه های گوناگون از جمله به بهانه "عدم رعایت شئون اسلامی" احضار و بازداشت شدند. در حافظیه شیراز ۳۷ نفر در آرامگاه فردوسی ۱۵ نفر بازداشت شدند. در کردستان نیز ده ها تن از جمع کنندگان نروزی احضار و بازداشت شدند و مورد بازجویی و ارباب واقع شدند. تنها در ارومیه و کرمانشاه و چند شهر کردستان مانند اشنویه، سردشت، سقز، مریوان، سنندج و پیرانشهر بیش از ۴۰ نفر بازداشت شدند و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفتند. در شهر کوچک سروآباد نیز ۹ تن بازداشت شدند. ارتجاع اسلامی در ادامه این اقدامات سرکوبگرانه، به بهانه عزاداری، سعی

فرار دارند. بحران اقتصادی، گرفتاری‌ها و تنگناهای متعدد معیشتی، بار بسیار سنگینی را بر دوش توده مردم و اقشار زحمتکش نهاده است. فقر و فلاکت و بدبختی از چهاردیواری کارخانه‌ها و محیط های کارگری فراتر رفته و بخش بزرگی از اقشار میانی نیز به دامان فقر و نداری پرتاب شده اند. ارتجاع حاکم بی آنکه خود بخواید، خشم و نارضایتی و روحیه اعتراضی را به درون خانه‌های کارگران و اقشار گوناگون



زحمتکشان برده است. توده های مردم رنج کشیده و فقر زده از هرروزه و موقعیتی برای برپایی اجتماع و ابراز نارضایتی و مخالفت با رژیم استفاده می‌کنند. برگزاری مراسم هایی مانند چهارشنبه سوری، عید نوروز و امثال آن که عموماً با تجمع و جشن و سرور و رقص و پایکوبی همراه است، خود، به یک شکل مبارزه مردم تبدیل شده است.

امسال نیز به رغم تمام محدودیت‌ها و موانعی که رژیم جمهوری اسلامی در چنین مسیری ایجاد کرده بود، مردم از این موانع عبور کردند و به استقبال بهار و نوروز رفتند.

مجددثابت اقلیدی مدیرکل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان فارس، در گفتگو با خبرنگار ایسنا اعلام کرده بود "برنامه‌های لحظه تحویل سال به دلیل متقارن بودن عید نوروز با شهادت حضرت علی (ع) با محوریت قرآن برگزار خواهد شد".

اظهار نظر مدیر کل میراث فرهنگی و گردشگری استان فارس اگرچه در رابطه با استان فارس که معمولاً در روزهای نروزی و مناسبت های مشابه، شاهد تجمعات گسترده بوده است، مطرح شد، اما در واقع سیاست عمومی دولت بود. هدف این بود که مراسم نروزی همه جا تعطیل، یا با قرآن خوانی و عزاداری و امثال آن برگزار شود و از این چهارچوب خارج نشود. البته برای جلوگیری از تجمعات خارج از این محدوده، کنترل و به بند کشیدن آن در چهارچوب معیارهای حکومتی و "محوریت قرآن" و عزاداری، تمهیدات گسترده‌ای نیز به عمل آمده بود. سپاه، نیروی انتظامی، وزارت کشور، استانداری ها و سایر نهادهای مربوطه نیز بدین منظور، خود را آماده کرده بودند.

به رغم تمام این ترفندها، ده‌ها هزارتن از مردم تجمعات بسیار بزرگی را هم در استان فارس و شهر شیراز و مکان هایی چون تخت جمشید، پاسارگاد و حافظیه، هم در سایر شهرها و اماکن مانند آرامگاه فردوسی در مشهد و آرامگاه خیام

مبارزات توده‌ای و توطئه نروزی ارتجاع اسلامی

رژیم است. نمونه برجسته آن را در تجمعات نروزی ارومیه شاهد بودیم. یک روز بعد از برگزاری تجمع بسیار گسترده نروزی شهروندان کرد ارومیه و برپایی جشن و شادی و رقص و پایکوبی که با سالروز ضربت خوردن علی امام اول شیعیان مصادف بود، ارتجاع اسلامی مراسم توطئه امیز " اجتماع علویان" را در ارومیه برپا کرد. رئیس شورای شهر ارومیه، یک نماینده سابق مجلس و امام جمعه شهر، از گردانندگان و سازماندهندگان اصلی این توطئه نفرت انگیز بودند. مراسمی که تحت عنوان عزاداری برپا شد، با شعارهای مذهبی و قومی و رفتارهای جنجالی و تحریک امیز و شعار علیه کردها همراه بود. گروهی از مرتجعین و تحریک شدگان با چماق های یک شکل وارد خیابان شدند و "حیدر حیدر" گویان شعارهای نفرت افکنانه سردادند و شهروندان کرد را به کشتار تهدید کردند. سرخ این اقدام قوم گرایانه ناسیونال - مذهبی های افراطی در دست رژیم و وابستگان حکومتی بود.

مرتجعین و طبقه حاکم همواره سعی کرده اند با ایجاد چند دستگی و اختلافات قومی و مذهبی، از اتحاد کارگران و اتحاد ملیت های مختلف جلوگیری کنند. در اعتراضات اخیر کارگران نی‌پر هفت‌تپه، مدیریت این شرکت نیز همین سیاست نفرت انگیز و نفاق افکنانه را اتخاذ کرد و پیش برد. در جریان اعتراض و تجمع روز چهارشنبه ششم فروردین کارگران نی‌پر که عموماً لر هستند، به قول یوسف بهمنی فعال کارگری هفت‌تپه، برخی از "کارگرها" این تجمع را "اغتشاش" و "اخلال" خواندند. نیروهای حراستی که عموماً عرب هستند به اشاره مدیریت با چوب و چماق به کارگران نی‌پر حمله کردند، شماری از کارگران را مصدوم کردند و متعاقب آن ۱۵ تن از کارگران بازداشت شدند.

ایجاد نفاق و تفرقه و دامن زدن به تفاوت‌های قومی و مذهبی و نفرت افکنی‌های نژادپرستانه، از سیاستهای همیشگی طبقه حاکم و رژیم جمهوری اسلامی پاسدار منافع این طبقه است. در ارومیه اما ترک ها، کردها، ارمنی‌ها و آشوری‌ها سالیان متمادی کنار هم زیسته اند. مردم معترض ایران در اعتراضات و شعارهای خویش مکرر از اتحاد ملیت های مختلف دفاع نموده و شعار "کرد و بلوچ آذری، آزادی و برابری" سر داده اند. در هفت تپه نیز اقوام مختلف سالیان دراز در کنار هم زیسته‌اند. کارگران هفت‌تپه در جریان مبارزات چندساله خود، نمونه های کم نظیر و درخشانی از اتحاد و همبستگی طبقاتی را به نمایش گذاشته اند. در هفت تپه همه کارگران استثمار می‌شوند. سرمایه و مدیریت شرکت، کرد و لر و عرب نمی‌شناسد و همه را یکسان استثمار می‌کند.

در برابر تاکتیک های سرکوبگرانه و نفاق افکنانه طبقه فرادست جامعه و رژیم سیاسی آن

پیام سازمان فدائیان (اقلیت) به یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

با گرمترین درودهای کمونیستی
رفقای عزیز!

یازدهمین کنگره حزبی‌تان در شرایطی برگزار می‌شود که جمهوری اسلامی در پی شکست های پیاپی داخلی و خارجی با بزرگترین بحران های دوران حیات خود دست به گریبان است. بحران هایی سخت و شکننده که هیئت حاکمه را به سردرگمی و گذران روزمرگی «از این ستون تا به آن ستون فرجی است»، کشانده است.

همزمان با شکست های پیاپی و ناتوانی حاکمیت در برون رفت از وضعیت موجود، هم اینک بحران افسارگسیخته رکود - تورمی، گرانی مواد خوراکی و کمبود دارو، دلار بالای ۱۰۰ هزار تومان و کاهش واقعی دستمزدها، چنان وضعیت فلاکت باری را برای طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش رقم زده است که رهایی از این فلاکت و بدختی جز با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، براندازی نظم پوسیده سرمایه‌داری و استقرار نظم نوین سوسیالیستی امکان‌پذیر نیست.

برای تحقق چنین اهدافی است که کارگران ایران بیش از هر زمان دیگر به اعتصاب و مبارزه‌ای پیگیر با طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار منافع آن روی آورده‌اند. همگام با کارگران، زنان، معلمان، دانشسنگان، دانشجویان، پرستاران و دیگر لایه‌های اجتماعی نیز در گستره ای وسیع مطالبات خود را در کف خیابان‌ها فریاد می‌زنند.

در این میان اما، زنان شجاع ایران با برخورداری از تجربه مبارزات خیابانی سال های اخیر، هم‌اینک یکی از پیشگامان مبارزه علیه حاکمیت فاشیستی جمهوری اسلامی هستند. زنان قهرمانی که در جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» در صف مقدم مبارزات مردم قرار گرفتند و در این مسیر با دلاوری و جان‌فشانی‌های تحسین برانگیزی جمهوری اسلامی را به زبونی و استیصال کشانده‌اند.

با این همه و بهرغم مبارزات تاکتونی کارگران و زنان و عموم توده‌های مردم زحمتکش که به‌طور روزانه شاهدش هستیم، طبقه کارگر ایران اما کماکان از پراکندگی رنج می‌برد و فاقد هرگونه تشکیلات سازمان یافته سراسری است. امری که بدون دستیابی به آن، گسترش اعتصابات کارگری، سراسری شدن مبارزات توده‌ای و چشم‌انداز پیروزی انقلاب اجتماعی در هاله‌ای از ابهام خواهد بود. بر کسی پوشیده نیست، تحقق یک چنین امری، تنها با کوشش مبارزاتی پیشروان طبقه کارگر، تلاش همه احزاب، سازمان‌ها و نیروهای چپ و کمونیست برای رسیدن به وحدت طبقاتی و سازمان‌یابی مستقل طبقه کارگر امکان‌پذیر خواهد بود.

رفقای عزیز!

سازمان فدائیان (اقلیت) برگزاری یازدهمین کنگره حزبی‌تان را به شما تبریک می‌گوید. با این امید که کنگره تان با موفقیت پایان یابد و نتایج آن متناسب با شرایط دوران انقلابی حاکم بر جامعه، گام دیگری برای تقویت و همکاری بیشتر احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست باشد.

روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت)
۳ فروردین ۱۴۰۴ - ۲۳ مارس ۲۰۲۵

در مقابله و رو در رویی با رژیم جمهوری اسلامی است. گرچه ارتجاع اسلامی از تاکتیک‌های خود در مقابله با تجمعات توده ای دست نخواهد کشید، اما باید مطمئن باشد که این تاکتیک‌ها ثمره چندانی ندارد. کارگران و زحمتکشان خواهان تغییراند، دامنه فعالیت ها و خواسته‌های خود را گسترش می‌دهند و در این مصاف و رویارویی، مقدسات حکومتی را یک به یک زیر سؤال می‌برند و تا سرنگونی حاکمیت ارتجاعی و تمام نظم موجود، در اشکال گوناگونی به مبارزه ادامه می‌دهند. سرکوب و توطئه، کار ساز نیست!

باید ایستاد. کارگران و زحمتکشان باید هوشیار باشند و اجازه ندهند چنین گرایشاتی در صفوفشان رخنه و اظهار وجود کند. باید از ورود چنین افراد و گرایشاتی به صفوف خود جلوگیری و اتحاد خود را حفظ کنند.

اینکه مراسم و جشن های نروزی به وسیله ای برای ابراز مخالفت با نظم موجود تبدیل شده است، اینکه بخش‌های زیادی از توده های مردم بی اعتنا به موازین مذهبی و معیارهای حکومتی، به مناسبت نروزی و به امید روزهای بهتر به جشن و رقص و پایکوبی می‌پردازند، همه نشان از رشد آگاهی و جسارت بیشتر مردم

پیام اصلی سخنان نوروزی خامنه‌ای بن بست حکومتی که به پایان سلام می‌کند

تلاش‌های خوبی انجام گرفت... لکن آنچه اتفاق افتاد با آنچه مورد انتظار بود فاصله داشت. بنابراین امسال هم مسئله‌ی عمده‌ی ما مسئله‌ی اقتصاد است... شعار امسال سرمایه‌گذاری برای تولید است که این انشاءالله مایه‌ی گشایشی برای معیشت مردم خواهد شد و برنامه‌ریزی دولت با مشارکت مردم، در کنار یکدیگر انشاءالله مشکل را برطرف خواهد کرد.

اگر بخواهیم اراجیف خامنه‌ای را خلاصه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که گویا اقتصاد غرق در بحران کشور به همراه مردم کشور منتظر بودند تا خامنه‌ای شعار "سرمایه‌گذاری برای تولید" را بدهد، تا به یکباره همه چیز گل و بلبل شود. براستی مضحک‌تر از این را هم می‌توان تصور کرد؟

در تمام سال‌های اخیر خامنه‌ای یک موضوع اقتصادی را به عنوان شعار سال خود انتخاب کرد اما همه می‌دانند که نه تنها این شعارها تحقق پیدا نکرد، بلکه سال از پی سال شرایط اقتصادی مردم بدتر و بحران رکود - تورمی عمیق‌تر گردید. سال پیش که شعار خامنه‌ای "جهش تولید" بود، همه دیدند که به جای جهش چه پسرفتی در نتیجه رکود ناشی از بحران اقتصادی و تشدید ناترازی برق و گاز و آب (برای کشاورزی) در تولید رخ داد، آنگاه او باز با وقاحتی که تنها از عهده‌ی چنین فرد شارلاتانی برمی‌آید، می‌گوید: "حوادث گوناگون سال ۱۴۰۳ مانع از آن شد که این شعار به تمام معنا تحقق پیدا کند، البته تلاش‌های خوبی انجام گرفت!"

وقتی خامنه‌ای می‌گوید: "کار مردم این است که سرمایه‌های خرد و سرمایه‌های بزرگ خود را بتوانند در راه تولید به کار ببرند. اگر سرمایه در راه تولید به کار رفت، دیگر به سمت کارهای مضر مثل خرید طلا، خرید ارز و امثال اینها نخواهد رفت"، فقط می‌توان دو احتمال داد. یا او آگاهانه خود را به نفهمی در مورد مسائل اقتصادی می‌زند و یا او واقعاً درک و شعورش از مسائل اقتصادی فراتر از این نیست و اصلاً هیچ درکی از بحران اقتصادی رکود - تورمی، بحران ساختاری و غیره ندارد.

مضحک‌تر آن که خامنه‌ای در دیدار نوروزی خود در اول فروردین گفت: "رهبری در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دخالتی نمی‌کند. یعنی حق دخالت هم ندارد، این جزو وظایف دولت است، دولت باید این کار را بکند". او در حالی این ادعای پوچ را مطرح کرد که همگان از نقش وی در تعیین حتماً گاه جزئی‌ترین سیاست‌های رژیم از جمله در عرصه‌های اقتصادی آگاه هستند. اما چرا او چنین ادعایی را بر زبان می‌راند؟!

خامنه‌ای با این ادعا در واقع می‌خواهد مشکلات اقتصادی مردم را بر گردن کابینه‌های منصوب خود گذاشته و خود را تبرئه کند. او می‌گوید: "حق دخالت هم ندارد". عجیب! از کی تا حالا خامنه‌ای برای خود محدودیتی قائل شده است؟! تنها نکته قابل تأمل سخنان خامنه‌ای در مورد عدم دخالت وی در امور اقتصادی این است که

نشان می‌دهد وی نیز بر عکس سخنانی‌های علنی خود، از بهبود شرایط اقتصادی کاملاً ناامید شده و برای همین در "ظاهر" از عدم دخالت خود سخن می‌راند. البته اگر او تازه متوجه این واقعیت شده باشد، مردم ایران از کارگران تا معلمان و دیگر زحمتکشان جامعه و حتا نوجوانان دانش‌آموز سال‌هاست که به این واقعیت پی برده‌اند.

مسعود روغنی زنجانی که ۱۲ سال ریاست سازمان برنامه و بودجه را در کابینه‌های موسوی و رفسنجانی برعهده داشت و از این جهت رکورددار است، در گفتگوی تصویری اخیر با "اگو ایران" به یک واقعیت مهم اعتراف می‌کند. وی با تشریح وضعیت اقتصادی بد سال‌های جنگ و کسری بودجه ۵۰ درصدی سال ۶۷ می‌گوید: "ما فقط می‌خواستیم وضع موجود بدتر نشه که اون هم نشد، شرایط فعلی مشابه آن زمان است" وی البته به یک تفاوت مهم این دو مقطع زمانی نیز اشاره‌ای دارد و آن این‌که در آن زمان بخش‌های مهمی از مردم هنوز به حاکمیت متوهم بودند، امروز اما همگان خواهان سرنگونی این رژیم سفاک و ددمنش هستند. وی پیشتر نیز در گفتگو با "اگو ایران" با بیان وضعیت فاجعه‌بار اقتصاد پیش‌بینی کرده بود که دلار در سال جاری به ۲۰۰ هزار تومان برسد.

در اثر تشدید بی‌سابقه‌ی بحران اقتصادی، بحران مالی رژیم، ویرانی زیرساخت‌ها از جمله کمبود آب و برق و گاز و نارضایتی عمیق توده‌ها و خیز آن‌ها برای سرنگونی رژیم، تضاد و کشمکش در درون طبقه حاکم با شدتی بسیار در حال رشد است. اکنون بسیاری بر این باورند که سال جاری سالی سرنوشت ساز خواهد بود. این که بسیاری از مقامات حکومتی و کارگزاران وابسته به رژیم و با نظریه پردازان سابقاً وابسته به حکومت به این باور رسیده‌اند، بیان‌گر شرایط حاد جمهوری اسلامی است که بحران اقتصادی کنونی یک وجه مهم آن می‌باشد.

بخش بزرگی از طبقه حاکم بر این موضوع پای می‌فشارند که تنها راه باقی مانده برای حفظ نظام رفتن به پای مصالحه با آمریکا است، اما مصالحه با دولت آمریکا برای جمهوری اسلامی ساده نیست. دولت آمریکا همان‌طور که در نامه ترامپ به خامنه‌ای نیز منعکس شده، خواستار تغییراتی بسیار فراتر از سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی است، از جمله در رابطه با برنامه‌های موشکی و نیروهای نیابتی. دولت آمریکا جدا از همه‌ی این‌ها خواستار سهمی از بازار ایران است و منافع اقتصادی خود را نیز در ایران دنبال می‌کند. مشکل اما این است که خامنه‌ای به دلایل متعدد آمادگی عقب‌نشینی در این ابعاد را ندارد. نتیجه اما یک چیز خواهد بود و آن تشدید بحران در سیاست خارجی که می‌تواند حتا به حملات نظامی به ایران و در نتیجه اقدامات تلافی جویانه جمهوری اسلامی منجر گردد.

این وضعیت، یعنی عدم آمادگی جمهوری اسلامی برای مصالحه با دولت آمریکا، هم شکاف در میان بالایی‌ها را تشدید خواهد کرد و هم منجر به

تشدید بحران اقتصادی خواهد شد. یکی از نتایج بحران در سیاست خارجی که هم اکنون نیز قابل مشاهده است، معضل جمهوری اسلامی در فروش نفت خام و مشتقات آن است. براساس اخبار منتشره هم اکنون ۱۱ نفتکش بزرگ جمهوری اسلامی بیش از یک ماه است که در نزدیکی سواحل مالزی بدون مشتری مانده‌اند و این فشارها در صورت ادامه سیاست جمهوری اسلامی بیشتر نیز خواهد شد.

بدیهی‌ست که در شرایط کنونی و بحران مالی رژیم، فروش نفت یک موضوع حیاتی برای جمهوری اسلامی است. البته تحریم‌ها جنبه‌های متعدد دیگری هم دارند و از جمله تأثیری که بر شرکت‌های متعلق به سپاه می‌گذارد.

از همین‌روست که برخی از رسیدن دلار به ۲۰۰ هزار تومان حرف می‌زنند. اگر مقایسه‌ای بین بهای سکه و دلار در فروردین سال گذشته با فروردین سال جاری ببیند، این موضوع روشن‌تر می‌گردد. بهای سکه در ۹ فروردین سال گذشته کمتر از ۳۹ میلیون تومان بود که در ۹ فروردین امسال به ۱۰۳ میلیون رسید. به عبارت دیگر در طول یک سال ۱۶۵ درصد افزایش یافت. بهای دلار نیز ۹ فروردین سال گذشته ۶۱۵۹۰ تومان بود که با ۷۰ درصد افزایش هم اکنون به ۱۰۵ هزار تومان رسیده است.

بنابراین بیراه نیست اگر در آینده‌ای نه چندان دور شاهد دلار ۲۰۰ هزار تومانی باشیم. با این وضعیت اقتصادی، با کسری ۵۰ درصدی (و شاید هم بیشتر) بودجه، با کمبود آب، برق و گاز، و دیگر معضلاتی که امروز جامعه گرفتار آن‌ها شده است، از وضعیت بیمارستان‌ها و نبود داروهای مناسب تا وضعیت حمل و نقل و جاده‌ها و غیره، فقط یک نتیجه می‌توان گرفت و آن این‌که این وضعیت دیگر قابل دوام نیست. باید تغییری رخ دهد. اما مهم این است که تغییر چگونه خواهد بود؟ تنها با یک انقلاب، تنها با سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی با دستان قدرتمند طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه و تنها با برپایی حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، منافع و خواست‌های توده‌های تحت ستم جامعه تحقق‌پذیر خواهد بود.



اعتراضات در ترکیه، پاسخی به بحران‌های ناشی از سیاست‌های طبقه حاکم

از این دو حزب، برنامه‌های اساسی برای پاسخ‌گویی ندارند.

مشکلات معیشتی

بیشترین گروه‌هایی که در این اعتراضات مشارکت دارند، طبقات کم‌درآمد و کارگری هستند. در دوران ریاست‌جمهوری رجب طیب اردوغان، ترکیه با چالش‌های اقتصادی گسترده‌ای مواجه شده است. تورم بالای دو رقمی، کاهش قدرت خرید مردم، افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها و بیکاری، زندگی روزمره مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. این بحران‌های اقتصادی، به‌ویژه در میان بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و کارگران، به اعتراضات خیابانی منجر شده است. بخش عمده‌ای از این اعتراضات در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت، به‌ویژه تورم و فشار معیشتی شکل گرفته است.

در چند سال گذشته، اعتصابات محدودی از سوی کارگران در بخش‌های مختلف صنعتی و خدماتی به وقوع پیوسته است. این اعتصابات بیشتر به دلایل افزایش دستمزدها، شرایط کاری سخت و بهبود وضعیت معیشتی برگزار شده است. برای نمونه، در سال ۲۰۲۵، کارگران بخش‌های مختلف صنعتی و خدماتی در ترکیه به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش قدرت خرید، دست به اعتصابات و تجمعات زدند. این اعتراضات عمدتاً در شهرهای بزرگ مانند استانبول و آنکارا برگزار شد و خواسته‌هایی نظیر افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کاری را مطرح کردند. اما اعتصابات بزرگ و سراسری که بتوانند به‌طور گسترده بر اقتصاد کشور تأثیر بگذارند، کمتر رخ داده‌اند. علاوه بر اعتصابات، کارگران معمولاً در تجمعات خیابانی و اعتراضات پراکنده نیز حضور دارند. این اعتراضات بیشتر در پاسخ به افزایش هزینه‌های زندگی، تورم، نابرابری‌های اجتماعی و فشارهای اقتصادی شکل می‌گیرد.

یکی از علل ضعف مبارزات کارگری در ترکیه، استفاده دولت اردوغان از ابزارهای سرکوب‌گرانه برای کنترل اعتراضات و اعتصابات بوده است. استفاده از نیروی پلیس، بازداشت‌های گسترده و اعمال محدودیت‌های قانونی علیه اتحادیه‌های کارگری و وابستگی‌های سیاسی به دولت سبب شده است که بسیاری از اتحادیه‌ها فاقد نمایندگی کارگران باشند، و در نتیجه بسیاری از کارگران به جای پیوستن به اتحادیه‌ها، به‌صورت فردی و پراکنده در اعتراضات شرکت کنند. گذشته از آن، بسیاری از کارگران به دلیل ترس از اخراج، کاهش حقوق و دستمزدها از پیوستن به اعتراضات گسترده و اعتصابات خودداری می‌کنند.

آزادی‌های فردی و مسایل اجتماعی - محیط زیستی

یکی دیگر از مطالبات اعتراضات در ترکیه، آزادی‌های فردی و اجتماعی است. دولت اردوغان در سال‌های اخیر حقوق بشر، آزادی بیان و آزادی‌های رسانه‌ای را به شدت محدود کرده است. علاوه بر این، سیاست‌های مذهبی و

سیاست‌های اقتصادی اردوغان، این حمایت کاهش یافته است، هرچند هنوز در مناطق روستایی و خارج از کلان‌شهرها این حزب از محبوبیت برخوردار است. سیاست تهاجمی اردوغان علیه کردها و به‌ویژه در مورد سوریه تأثیر قابل توجهی بر حمایت از او، به‌ویژه در بین ناسیونالیست‌ها و برخی بخش‌های جامعه ترکیه داشته است. این سیاست‌ها نعتننا بر حمایت داخلی از اردوغان تأثیرگذار بوده، بلکه نقش مهمی در تقویت تصویر او به‌عنوان رهبر قدرتمند و حامی منافع ملی ایفا کرده‌اند. حمایت اردوغان از اسلام‌گرایان سوریه و مخالفان بشار اسد باعث شد که بسیاری از مسلمانان در داخل ترکیه و همچنین در کشورهای دیگر از او حمایت کنند. این سیاست‌ها به‌ویژه برای بخش‌های مذهبی و اسلام‌گرا در ترکیه جذاب است، زیرا اردوغان را به‌عنوان یک مدافع حقوق مسلمانان در سطح جهانی معرفی می‌کند.

اختلافات ترکیه با اسرائیل، آمریکا و دیگر کشورهای ناتو گرچه تا حدی روابط این کشور را با برخی از اعضای ناتو دچار تنش کرده است، اما هدف اردوغان، در واقع، امتیازگیری از غرب و اسرائیل است تا درگیری جدی با این کشورها. به این ترتیب، اردوغان با بهره‌گیری از این اختلافات در عرصه بین‌المللی می‌کوشد از خود چهره‌ای مستقل در برابر غرب نشان دهد و محبوبیت خود در ترکیه را حفظ کند. در چنین شرایطی، خواسته‌های مردم به میدان مبارزه در رقابت سیاسی دو حزب "عدالت و توسعه" و حزب "جمهوری‌خواه خلق" بدل گشته است و هر یک تلاش می‌کند تا رضایتی عمومی را به نفع خود هدایت کرده و جایگاهش را در قدرت تثبیت کند. حزب "جمهوری‌خواه خلق" گرچه به‌عنوان حزب اصلی اپوزیسیون همواره دولت را نقد کرده است، اما برنامه اقتصادی و سیاسی مشخصی برای بحران‌ها ارائه نداده است. گرچه امام‌اوغلو در انتخابات شهرداری‌ها در استانبول و آنکارا با همکاری حزب "دمکراتیک خلق‌ها"، که پایه اصلی آن را کردها تشکیل می‌دهند، به پیروزی دست یافت، اما همچنان با موضع‌گیری‌های متناقض، سیاست روشن و پایداری در قبال سیاست‌های امنیتی دولت علیه کردها ندارد.

در مورد مشکلات اقتصادی، نیز با وجود حمایت از اعتراضات مردمی به وضعیت معیشتی، حزب "جمهوری‌خواه خلق" در عمل به‌دلیل ارتباطش با کارتل‌های مالی، در مجموع رویکردش لیبرالی است. پایگاه اجتماعی اصلی این حزب نیز در مناطق شهری و در میان اقلتر مرده است.

اکنون در این میانه، حزب "عدالت و توسعه" بیشتر با سرکوب و سیاست‌های ناسیونالیستی و پان‌ترکیسم و حزب "جمهوری‌خواه خلق" با شعارهای اصلاح‌طلبانه سعی در جذب مردم دارند. اما نارضایتی‌های توده‌ای در ترکیه علل گوناگون و ریشه‌های عمیق‌تری دارد که هیچ‌یک

اتهاماتی که او و حامیانش آن‌ها را دارای انگیزه‌های سیاسی می‌دانند. حزب "عدالت و توسعه" در انتخابات محلی ۲۰۱۹ و ۲۰۱۴ به جز استانبول، چند کلان‌شهر دیگر، از جمله آنکارا و ازمیر، را نیز از دست داد. از دست دادن این شهرها به معنای از دست دادن منابع مالی و حمایت مردمی در مناطق کلیدی ترکیه بود. برای نمونه، استانبول با بیش از ۱۶ میلیون نفر جمعیت و سهم ۳۱ درصدی از تولید ناخالص داخلی ترکیه، مرکز اقتصادی و سیاسی کشور محسوب می‌شود. با پیروزی امام‌اوغلو در شهرداری، حزب "عدالت و توسعه" میلیاردها دلار از منابع مالی این شهر را از دست داد. اوج‌گیری اعتراضات حتی موجب شد تنش‌های که قرار بود "دوچه بانک" با سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای بررسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ترکیه در ماه مارس برگزار کند، لغو شود و سرمایه‌گذاران خارجی به سرعت ترکیه را ترک کنند.

حزب اردوغان که از سال ۲۰۰۲ نقش مهمی در سیاست ترکیه دارد، توانست در دهه ۲۰۰۰، تورم را مهار کند، زیرساخت‌ها را توسعه دهد و سطح رفاه عمومی را بالا ببرد. پروژه‌هایی مانند گسترش حمل‌ونقل، ساخت پل‌ها، بزرگراه‌ها، مترو و بیمارستان‌ها، وجهه مثبتی برای دولت ایجاد کرد. اما در سال‌های اخیر این روند پایان یافت و معضلات گوناگون نمود پیدا کردند.

یکی از دلایل اعتراضات کنونی، معضلات اقتصادی و معیشتی است که در نرخ تورم سرسام‌آور نمود پیدا می‌کند. اردوغان به دنبال یک رشد مصنوعی و کوتاه‌مدت برای جلب حمایت رأی‌دهندگان و تحریک رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری، از سال ۲۰۲۱ سیاست تعدیل نرخ بهره را در پیش گرفت. این سیاست تا بدان‌جا پیش رفت که در اواخر سال ۲۰۲۲ این نرخ از ۱۹ درصد در سال ۲۰۲۱ به ۸/۵ درصد کاهش یافت. گرچه کاهش هزینه وام‌گیری در کوتاه‌مدت باعث افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی مانند مسکن، تولید و صادرات شد، اما این سیاست در درازمدت نتیجه معکوس داد. تورم تا بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت و ارزش لیر سقوط کرد. افساری که پیش از این با نرخ بهره کم توانسته بودند مسکنی تهیه کنند یا رونقی به کار و کسب خود بدهند، به‌یک‌باره با افزایش هزینه‌های زندگی روبرو شدند و رونق ظاهری این سیاست، بر باد رفت. در نتیجه، در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ با افزایش فشارهای اقتصادی، دولت ترکیه مجبور شد مجدداً نرخ بهره را بالا ببرد. بانک مرکزی پس از پیروزی اردوغان در انتخابات ۲۰۲۳ از ژوئن ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴ به‌یک‌باره نرخ بهره را از ۸/۵ درصد به ۴۵ درصد افزایش داد.

افزایش سطح رفاه و مهار تورم در سال‌های پیشین بسیاری از روستاییان، اقلتار تهیدست و حتی کارگران را به حمایت از اردوغان برانگیخته بود. اما پس از نمود پیامدهای

اعتراضات در ترکیه، پاسخی به بحران‌های ناشی از سیاست‌های طبقه حاکم

تلاش برای تحمیل هنجارهای مذهبی به جامعه ترکیه، اعم از حجاب اجباری و محدودیت‌های دینی، باعث شده است که افشار وسیعی از مردم، به‌ویژه زنان و جوانان، در برابر این سیاست‌ها اعتراض کنند. اکنون در ترکیه تقریباً ۹۰ درصد رسانه‌ها، مستقیم یا غیرمستقیم، تحت کنترل دولت قرار دارند.

اعتراضات زنان علیه خشونت‌های خانگی، تبعیض‌های جنسیتی و نقض حقوق زنان در سال‌های گذشته شدت گرفته است. این اعتراضات به‌ویژه در پی قتل‌های ناموسی و خشونت‌های خانگی، که به نظر می‌رسد در سایه سکوت دولت و سیاست‌های آن تشدید شده‌اند، به نقطه اوج خود رسیده است. روز شنبه، ۱۸ اسفند ۱۴۰۳، هزاران زن در شهرهای ترکیه در روز جهانی زن تظاهرات کردند و خواستار اجرای "پیمان استانبول" شدند که زنان را از خشونت و قتل توسط مردان محافظت می‌کند. در پی کشته شدن هشت زن در یک روز، واکنش‌های گسترده‌ای از سوی انجمن‌های مدافع حقوق زنان صورت گرفت و در تجمعی در اسفند ماه در استانبول، اعلام شد که ۶۹ زن از ابتدای سال ۲۰۲۵ توسط مردان در ترکیه به قتل رسیده‌اند. پیش از آن نیز زنان بارها به سیاست‌های زن‌ستیزانه و اسلام‌گرایانه دولت ترکیه اعتراض کرده بودند، چرا که این سیاست‌ها موجب تعرض‌های متعدد به زنان و حتی نقض آزادی آنان در انتخاب پوشش شده است.

در همین راستا، جوانان و دانشجویان نیز به شدت از فضای سیاسی و اجتماعی موجود ناراضی هستند. آنان نه تنها به دلیل بحران اقتصادی و فقدان فرصت‌های شغلی، بلکه به دلیل محدودیت‌های آزادی‌های فردی و سرکوب سیاسی به خیابان‌ها آمده‌اند. خواسته‌های آنان بیشتر در جهت حفظ آزادی‌های فردی، برابری جنسیتی و حق انتخاب در مسائل اجتماعی است.

در ژانویه، انتصاب رئیس جدید دانشگاه بازاریچی به دستور اردوغان، دانشجویان را به اعتراض برانگیخت. در اوایل فوریه، پلیس ۱۵۹ دانشجو را دستگیر کرد. در نتیجه، همراه با سایر افشار، اعتراضات دانشجویی نیز به سرعت در سراسر ترکیه گسترش یافته و شهرهایی مانند آنکارا، ازمیر، آدانا، ترابوزان و قونیه را نیز دربرگرفته است. نیروهای پلیس ترکیه برای متفرق کردن معترضان از روش‌هایی مانند اسپری فلفل، موانع فیزیکی و حتی شلیک گاز اشک‌آور استفاده کردند. در برخی موارد، مانند تجمع در دانشگاه کوجالی، برخوردهای خشونت‌آمیزی رخ داد که منجر به مجروحیت و بازداشت تعدادی از دانشجویان شد.

گروه‌های محیط‌زیستی در ترکیه نیز از دیگر معترضان به سیاست‌های اقتصادی و عمرانی دولت هستند؛ به‌ویژه سیاست‌هایی که می‌توانند به محیط‌زیست آسیب برسانند. پروژه‌هایی مانند کانال استانبول و سدها که به منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها آسیب می‌زنند، محل اعتراضات

شدید محیط‌زیستی بوده است. این گروه‌ها خواهان حفاظت از محیط‌زیست و ممانعت از پروژه‌های زیان‌آور به طبیعت هستند.

کردها و دیگر اقلیت‌های ملی در ترکیه

کردها و دیگر اقلیت‌های ملی و قومی در ترکیه نیز با مشکلات ویژه‌ای روبرو هستند. این افشار سال‌هاست که به دلیل سیاست‌های تبعیض‌آمیز و محدودیت‌های فرهنگی از سوی دولت مرکزی مورد ظلم و تبعیض قرار گرفته‌اند. خواسته‌های آنان شامل احترام به حقوق قومی، آزادی زبان مادری و پایان دادن به سرکوب هویت‌های قومی است. در این میان، نارضایتی کردها به‌ویژه پس از سرکوب‌های سیاسی و بازداشت‌های گسترده اعضای "حزب دموکراتیک خلق‌ها" به شدت افزایش یافته است.

فساد و ناکارآمدی دولت

یکی از دلایل اصلی اعتراضات در ترکیه، فساد گسترده و ناکافی بودن خدمات عمومی است. بسیاری از معترضان بر این باورند که سیاست‌های دولت اردوغان در راستای الگوهای فساد و عدم شفافیت قرار دارد. پروژه‌های بزرگ مانند کانال استانبول، که بیشتر به نظر می‌رسد در جهت منافع فردی و تجاری برخی از نزدیکان اردوغان باشد، اعتراضات زیادی را به دنبال داشته است. در نتیجه، اعتراضات علیه فساد دولتی، عدم شفافیت در تخصیص منابع و زیان‌های اقتصادی پروژه‌های دولتی از دیگر خواسته‌های مهم معترضان است.

پایان راه اردوغان؟

اعتراضات مردمی در ترکیه نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دولت اردوغان دیگر قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه نیست. این اعتراضات نه تنها یک واکنش به شکاف‌های اجتماعی و نارضایتی‌های اقتصادی است، بلکه نشانه‌ای از فقدان مشروعیت سیاسی و گسست عمیق میان مردم و دولت به شمار می‌رود. با این حال، نبود یک نیروی سازمان‌یافته، قدرتمند و متحد که بتواند این اعتراضات را به شکل یک جنبش سراسری و هماهنگ درآورد، همچنان یکی از موانع اصلی به شمار می‌رود. با این حال، سیاست‌های سرکوب‌گرانه دولت می‌توانند منجر به بروز جنبش‌های بزرگ‌تر شوند.

یکی از نیروهای مؤثر در ترکیه که قادر به تغییرات واقعی در شرایط است، جنبش طبقه کارگر است. اما اعتراضات کارگری، علی‌رغم گستردگی خود، هنوز به شکل اعتصابات گسترده و سراسری که فشارهای واقعی بر دولت وارد کند، بروز نکرده است.

از مشکلات عمده در زمینه شکل‌گیری یک جنبش سراسری کارگری، عدم وجود یک حزب

کمک‌های مالی

سوئیس

علی‌اکبر صفایی فراهانی
سیامک اسدیان (اسکندر)
حمید اشرف
محمد کاسه‌چی
امیر نبوی

۳۰ فرانک
۴۰ فرانک
۳۰ فرانک
۵۰ فرانک
۵۰ فرانک

دانمارک

هوشنگ احمدی
کرون
دکتر نریمپسا
کرون

۲۰۰
۲۰۰

ایران

آبان ادامه دارد
تومان

۱ میلیون

آمریکا

مهسا
از سیاهکل تا حکومت شورایی
رفیق توکل حکومت شورایی

۲۵ دلار
۵۰ دلار
۱۰۰ دلار

هلند

داوود مدائن
یونان

۵۰ یورو
۵۰ یورو

آلمان

رفقای کارگر
۸ مارس ۲۰۲۵ گرامی باد!

۵۰ یورو
۱۰۰ یورو

چپ یا سوسیالیستی با قدرت سازماندهی بالا در ترکیه است. در دهه‌های گذشته، حزب‌هایی مانند حزب "دموکراتیک خلق‌ها" به نمایندگی از برخی از افشار اجتماعی و کارگری عمل کرده‌اند، اما نتوانسته‌اند به یک نیروی چپ سوسیالیستی مستقل و قوی تبدیل شوند. این حزب که عمدتاً به نمایندگی از کردها و اقلیت‌های قومی عمل می‌کند، بیشتر بر مسائل حقوق بشر و آزادی‌های مدنی تمرکز دارد و در سیاست‌های اقتصادی خود کمتر از رویکردهای چپ سوسیالیستی پیروی می‌کند، بنابراین نمی‌تواند خواسته‌های طبقه کارگر را در سطح سراسری بیان و سازماندهی کند. بنابراین در شرایط کنونی، ضرورت شکل‌گیری و ظهور یک تشکل یا حزب نیرومند کارگری برای هدایت و رهبری جنبش اعتراضی در ترکیه از هر زمان دیگری آشکارتر است. در غیر این‌صورت شاید این اعتراضات به اصلاحاتی سیاسی و حتا برکناری دولت اردوغان منجر گردد، تغییری اساسی در وضعیت توده‌های کارگر و زحمتکش پدید نخواهد آورد.

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



در محکومیت تفرقه و نفرت پراکنی نژادپرستانه رژیم در ارومیه

روزهای اول و دوم فروردین در شهر ارومیه جریانات «پان‌ترکیست» با طراحی حکومتی تظاهراتی در خیابان‌های مرکزی شهر بر علیه مردم گرد پیش بردند. این تظاهرات با سخنرانی و تحریک «محمد خلیل پور» رئیس شورای شهر ارومیه و تبلیغ و شرکت «نادر قاضی پور» نماینده پیشین مجلس صورت گرفت و در آن عوامل حکومتی و عده‌ای از ناسیونالیست‌های «پان‌ترکیست» شرکت داشتند. در این تظاهرات از جمله شعارهایی مانند: «آذربایجان بیدار است، گُردها مهمان ما هستند»، «آذربایجان پاینده باد، دشمنانش نابود باد» و «ارومیه تُرک است و تُرک می‌ماند» سر داده شد. تظاهرکنندگان چماق‌دار با حمل تصاویری از «ملاحسنی» نماینده خمینی در ارومیه و عامل قتل‌عام مردم بی‌دفاع «قارنا» و «قلاتان» در نزدیکی شهر نقده در سال ۱۳۵۸، هشدار تکرار همان فجایع را در اذهان زنده کردند.

این تجمع «پان‌ترکیست»‌ها، ظاهراً در واکنش به مراسم‌های نوروزی بزرگ و بی‌سابقه در شهرهای کردستان و ایران و به‌ویژه همایش نوروزی بی‌نظیر شهر ارومیه صورت گرفته است. نمایش همبستگی شکوهمند مردمی در مراسم‌های نوروزی امسال کارگزاران رژیم را به وحشت انداخته و از آنجا که قدرت جلوگیری از آن را نداشتند، با اتکا به دستجات «پان‌ترکیستی» به حربه ایجاد تفرقه و نفرت پراکنی بین گُردها و تُرک‌ها پناه برده‌اند. رژیم اسلامی می‌داند که مردم با هر زبان و تعلق ملی و مذهبی در ارومیه و هر جای دیگر ایران ادغام‌شده‌اند، معاشرت دارند و با هم کار و زندگی می‌کنند و مشکل مردم نه این تفاوت‌ها، بلکه فقر و فلاکت و سرکوبگری رژیم است. رژیم دیده است که این مردم، در طی خیزش ۱۴۰۱ وسیع‌ترین همبستگی و همدردی را با هم نشان دادند. می‌داند این مردم به‌شدت معترض و ناراضی هستند و از هر فرصتی برای ابراز انزجارشان از رژیم بهره می‌برند، لذا سیاستش را بر درهم شکستن این اتحاد و همبستگی و دامن زدن به تحریک ملی و مذهبی قرار داده است.

شهر «ارومیه» نماد رنگین‌کمان فرهنگی و زبانی در طول تاریخ بوده و تقایل این شهر به یک ملت خاص، توهین بزرگی به انسانیت و به‌ویژه ساکنان آگاه ارومیه است. تقسیم ساکنان شهر به دو گروه بومی و مهاجر، به خطر انداختن امنیت و وحدت مردم و به نفع رژیم سرکوبگر است که با این نوع حربه‌ها می‌خواهد به بقای ننگینش ادامه دهد. این واقعه «ارومیه» در عین حال هشدار جدی به مردم ایران و اردوی آزادیخواهی و انقلابی و کل نیروهای سیاسی مسئول در جامعه است.

«شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست» این تحریکات ناسیونالیستی و نژادپرستانه را محکوم می‌کند و فراخوانش به کارگران و مردم آزادیخواه این است که در مقابل سیاست‌های ارتجاعی رژیم اسلامی و مؤتلفین ناسیونالیستش قاطعانه بایستند و عنصر همبستگی و برابری و همدردی و نوع‌دوستی را تقویت کنند. مردم ایران آزادی و برابری و حرمت و رفاه می‌خواهند، اما حکومت اسلامی و فاشیست‌های عظمت‌طلب، ملی و مذهبی برای منافع خود حاضرند یک جامعه را با این سیاست‌ها به خون بکشند.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۳ فروردین ۱۴۰۴ - ۲۳ مارس ۲۰۲۵

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت). هسته اقلیت



پیام نوروزی شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

فرارسیدن سال نو و شکوفایی طبیعت را به عموم توده های مردم ایران تبریک می‌گوییم. حاکمان اسلامی همواره جشن نوروز را رقیب اعیاد اسلامی دانسته و علیه برگزاری مراسم سال نو اقدام کرده اند. به این اعتبار، برگزاری جشن های نوروزی همواره نوعی از اعتراض علیه رژیم اسلامی بوده و امسال نیز با همه ناملایمات تحمیل شده بر جامعه، مردم ایران در گستره ای همگانی می‌کوشند تا با برگزاری جشن‌های میدانی فرا رسیدن سال نو را گرامی دارند.

برگزاری مراسم نوروزی در شهرها و مناطق مختلف بویژه در کردستان و لرستان و پاره ای از دیگر مناطق ایران که این روزها بزرگترین جشن های نوروزی را برپا کردند، نمونه هایی از پاسداشت شادمانی مردم در مقابل ایدئولوژی مرگ و ماتم و عزای ۴۶ ساله جمهوری اسلامی است. اگر چه فقر عمومی مانع بزرگی برای اجرای همه رسوم نوروز، از جمله دید و بازدید و خرید لباس نو ایجاد کرده، اما عزم ما را برای ادامه مبارزه و پایداری شادی و طراوت زندگی علیه مسبب اصلی اوضاع نابسامان کنونی که همانا رژیم اسلامی است، استوارتر کرده است.

سال نو در شرایطی فرا می‌رسد که جمهوری اسلامی بزرگترین بازنده سال گذشته در منطقه بود. در داخل هم رژیم اسلامی روزگار خوبی نداشت. پروژه پزشکیان برای مقابله با برآمد یک جنبش انقلابی با شکست روبرو شد و تلاش او برای اتحاد جناح‌ها و باندهای مختلف رژیم تحت عنوان «وفاق ملی» با شکست مواجه شد.

سال گذشته در عین حال سال ایستادگی و گسترش مبارزات مردم بود و هیئت حاکمه در مقابله با تحمیل حجاب اجباری به زنان با شکست روبرو شد. اگرچه هنوز عوامل رژیم اسلامی زنان را در خیابان‌ها و اماکن عمومی آزار می‌دهند، اما رژیم ناچار شد نزد پایگاه ضد زن خود اعتراف کند که توان اجرای قانون کذایی «عفاف و حجاب» را ندارد. در طول سال گذشته کارزار سه شنبه های اعتراضی علیه مجازات ضد انسانی اعدام نیز گسترش یافت و به ۳۸ زندان رسید. اعتراضات اقشار

در صفحه ۱۰

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

گوناگون مردم ایران و کارگران و بازنشستگان همواره جریان داشت و جمهوری اسلامی با دستگیری و شکنجه و مجازات فعالان سیاسی - اجتماعی و محاکمه آنان در بیدادگاه های خود به مقابله با اعتراضات توده ای برخاست.

سال جاری در شرایطی به پایان می‌رسد که با ادامه سیاستهای رژیم اسلامی هیچ چشم اندازی برای بهبود اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم وجود ندارد و هر گونه بهبود اوضاع در گرو ادامه و گسترش مبارزه جنبش های مختلف اجتماعی و طبقاتی است. در آخرین روزهای سال، شورای عالی کار، حداقل دستمزدی را برای کارگران تعیین کرد که قدرت خرید آنان حتی نسبت به اوایل سال هم کمتر شده است و برای مقابله با گرسنگی هیچ راهی بجز اعتصاب و تظاهرات برای کارگران باقی نگذاشت.

در آستانه سال نو، ما یاد همه عزیزانمان را که در راه آزادی و برابری جان خود را فدا کردند گرامی می‌داریم و همراه و همگام خانواده های دادخواه هستیم. به زندانیان سیاسی درود می‌فرستیم و مقاومت آنها را ارج می‌گذاریم و به مبارزه مان برای آزادی همه زندانیان سیاسی و نابودی دیکتاتوری حاکم ادامه می‌دهیم.

ما خود را بخشی از جنبش کارگری، زنان، دانشجویی، بازنشستگان، معلمان و رفع ستم ملی می‌دانیم و برای متحد و متشکل شدن این جنبشها از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنیم. بکوشیم نوروز ۱۴۰۴ آغازی باشد بر اتحاد و همبستگی و پیشروی بیشتر ما و تحمیل شکستها و عقب نشینی های گسترده تر به رژیم اسلامی. نوروزتان پیروز

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
۲۹ اسفند ۱۴۰۳

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

ایمنی محیط کار در گرو تشکل و همبستگی کارگری است

و نشیب را با موفقیت طی کنند؟

وضعیت دهشتبار حوادث کار در ایران در حالی است که قانون کار ارتجاعی نیز مقرراتی جهت بازرسی از محیط کار و کنترل ایمنی و بهداشت محیط کار در نظر گرفته است. زمستان ۱۴۰۲، وزیر کار دولت ابراهیم رئیسی طی یک اقدام نمایشی اعلام کرد ایران به مقاله نامه ایمنی و بهداشت شغلی سازمان بین‌المللی کار (ILO) پیوسته است. مقاله نامه بازرسی کار ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) شماره ۸۱، از ۱۱ آگوست ۱۹۸۳ لازم‌الاجرا شد.

حکومت اسلامی پس از پیوستن به مقاله نامه اولین گزارش خود را سازمان جهانی کار ارائه داد. گزارش عملکرد حکومت اسلامی در زمینه حوادث کار آماری ساختگی بود که نشان می‌داد حوادث کار در اثر «اهتمام» دولت کاهش یافته است.

گذشته از غیرواقعی بودن آمار مربوط به حوادث ناشی از ناامنی محیط کار، آنچه گزارش مرکز آمار مطلقاً درباره آن سکوت کرده آسیب دیدگی و مرگ کارگران در اثر بیماری‌های ناشی از حرفه است که قربانیان آن در خوشبینانه‌ترین برآوردها شش برابر مرگ و مصدومیت در اثر حادثه کار است. کارگرانی که به علت انجام کار بکنواخت، استنشاق گازهای سمی در محیط کار، آلودگی‌های صوتی و نظیر آن جان خود را از دست می‌دهند.

پایان دادن به وضعیت دهشتبار ایمنی و بهداشت محیط کار تنها به دست خود کارگران عملی است. ضروری است کارگران در هر کارگاه و رشته تولید متشکل شوند و ائین‌نامه‌هایی متناسب با شرایط کار خود تنظیم و سرمایه‌داران و دولت را به اجرای آن وادار و خود بر اجرای آن نظارت کنند. در غیر این صورت، سیر قهقرایی کنونی ادامه خواهد یافت.

قوانین سازمان تامین اجتماعی حادثه‌ی ناشی از کار را زمانی به رسمیت می‌شناسند که برای کارگر بیمه شده در محیط کار یا حین حمل و نقل به محل کار رخ داده باشد. به این ترتیب، کارگران کارگاه‌های کوچک خارج از شمول قانون کار، کارگران موقت غیر بیمه، صدها هزار کارگر ساختمانی که در انتظار نوبت بیمه قرار دارند و کارگران بدون قرارداد و قرارداد سفید را شامل نمی‌شود. به این ترتیب، آمار کشته‌شدگان و مصدومان کار اکثریت عظیم کارگران ثبت نمی‌شود و کارگر حادثه دیده شمول هیچ حق و حقوقی نمی‌شود. یک کارگر بدون قرارداد در صورت بروز حادثه چگونه و از چه کسی می‌تواند شکایت کند؟

یک حقوقدان کار روند پیگیری شکایت مربوط به حادثه کار را چنین رهنمود می‌دهد: «برای ثبت درخواست بررسی حوادث ناشی از کار باید حادثه‌ی دیده و یا اولیای دم او به مراجع قضایی انتظامی (تشکیل پرونده در کلانتری) مراجعه کنند و دادخواست یا شکایت بنویسند. این شکایت توسط مقامات قضایی و انتظامی بررسی می‌شود. سپس واحد بازرسی کار اداره کل کاروا مور اجتماعی هر استان یا اداره شهرستان با بررسی پرونده و صحنه حادثه نظریه نهایی درباره مقصر حادثه را اعلام می‌کنند. در نهایت گزارش این کارشناسان به مرجع قضایی ارجاع داده می‌شود تا نظریه بازرسی کار و رای نهایی درباره تعیین مقصر حادثه و مقدار و میزان دیه به حادثه‌ی دیده و کارفرما اعلام شود.»

چه درصدی از کارگران به شرط واجد بودن شرایط برای شکایت، می‌توانند این روند پر فراز

آمار دولتی، هر روز بیش از ۱۲۰ کارگر به محل کار می‌روند و مصدوم بازمی‌گردند. ۶ کارگر نیز که برای کار از خانه خارج شده‌اند هرگز به خانه بازمی‌گردند. واقعیت این است که داده‌های مرکز آمار نوک کوه یخ حوادثی است که در اثر ناایمنی محیط کار و سرویس‌های حمل و نقل کارگران اتفاق می‌افتد. آمار رسمی حوادث کار مربوط به کارگران بیمه شده را شامل می‌شود و همگی موارد مربوط به کارگران بیمه شده و مشمول قانون کار را هم دربر نمی‌گیرد در موارد بسیاری سرمایه‌دار برای آن که مانع تشکیل پرونده در اداره کار و پزشکی قانونی شود، با پرداخت مبلغی به کارگر حادثه‌ی دیده و یا در صورت مرگ کارگر به خانواده‌ی او به شکل «توافقی» به مساله خاتمه می‌دهد. آمار حوادث کار پزشکی قانونی مربوط به مواردی است که کارگر شکایت کرده و به پزشکی قانونی مراجعه کرده است. حوادث کار کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر که خارج از شمول قانون کار نیز در این آمار جایی ندارند. حوادث کار کارگران قرارداد سفید و یا بدون قرارداد نیز در شمول این آمار نیستند. کارگران مهاجر و

کارگران غیررسمی نیز جایی در این آمار ندارند.

واقعیات پنهان پشت آمار

یکی از انواع آسیب‌های ناشی از حادثه کار سوختگی است. رئیس بیمارستان سوانح سوختگی تهران در گفت‌وگو با خبرنگاری دولتی اینلنا اعلام کرده است هر سال، حدود ۱۰۰ هزار کارگر در محیط کار دچار سوختگی شده‌اند. به گفته‌ی او «مهمترین مشکلی که باعث دچار شدن کارگران به سوختگی می‌شود، این است که بسیاری از محیط‌های کارگاهی در کشور ما در برابر آتش سوزی ایمن نیستند؛ به نحوی که بسیاری از واحدهای صنعتی و ساختمانی، هیچ گونه سیستم هشدار دود یا اطفای حریق خودکار ندارند و حتی بسیاری از محیط‌ها فاقد کپسول‌های آتش‌نشانی ساده هستند و همین مساله باعث می‌شود که بیشتر کارگاه‌ها مستعد بروز حریق‌های خطرناکی باشند که باعث ایجاد سوختگی‌های شدید در کارگران می‌شود.»

حوادث ناشی از کار در تلافی سودجویی سرمایه‌داران و چشم‌پوشی دولت سرمایه‌دار بر آنچه در محیط کار می‌گذرد روی می‌دهند و عوامل مختلفی در آن دخیل‌اند. ضعف نظارت و بازرسی کار، عدم رعایت استانداردهای ایمنی محیط کار توسط کارفرما، تجهیزات قدیمی و فرسوده، نبود آموزش برای کارگران و فشار کار، اضافه‌کاری‌های اجباری که کارگران را فرسوده می‌کند و دقت عمل آن‌ها را کاهش می‌دهد همگی دست در دست هم منجر به ایجاد حادثه کار می‌شوند. مساله بعدی روند رسیدگی قانونی به علل حوادث کار است که در صورت وقوع حادثه، پیگیری حقوقی و دریافت خسارت برای کارگران زمان‌بر است. برخی از پرونده‌های مربوط به حوادث کار سال‌ها در دادگاه‌ها باقی می‌مانند.

کار - نان - آزادی



حکومت شورائی

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.



زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم



ایمنی محیط کار در گرو تشکل و همبستگی کارگری است

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1113 March 2025

کارگران تبدیل شده است؛ چنان که داده‌های آماری آمارسازان دولتی هم به ناگزیر گوشه‌هایی از فاجعه مصدومیت و مرگ کارگران در اثر نبود ایمنی و بهداشت در محیط کار را بیان می‌کنند.

اخیراً مرکز آمار ایران در گزارشی از حوادث کار ناشی از نبود ایمنی محیط کار اعلام کرده است سالیانه ۴۵ تا ۴۷ هزار حادثه ناشی از فقدان ایمنی محیط و شرایط نامناسب کار در کشور رخ می‌دهد. مرکز آمار با استناد به آمار سازمان پزشکی قانونی نوشته است در سال ۱۴۰۳، ۲۱۱۵ کارگر جان خود را در حوادث ناشی از نبود ایمنی محیط کار از دست داده‌اند.

ارقام دولتی به خودی خود تکان‌دهنده اند. بنا بر در صفحه ۱۱

بهداشت و ایمنی محیط کار کارگران تابعی از موقعیت عمومی طبقه‌ی کارگر در یک جامعه‌ی سرمایه‌داری است. گرایش سرمایه کاستن از هزینه‌های تولید است بویژه آن‌جا که به زیست و سلامتی کارگران مرتبط است. مگر آن‌که کارگران توانسته باشند به قدرت جمعی محدودیت‌هایی در شرایط استثمار ایجاد کنند. هرچه تشکل و مقاومت جمعی کارگران در برابر سرمایه ضعیف‌تر باشد دست سرمایه‌داران در استثمار بازتر است و دولت سرمایه‌داران آسان‌تر می‌تواند بر فجایع ناشی از ناامنی محیط کار چشم ببندد. نمونه بارز، ایران است. در اثر گسترش بیکاری و ارزان‌تر شدن نیروی کار، و نبود سازماندهی، کارگران به نیرویی پراکنده و بدون تشکل تبدیل شده‌اند و محیط کار به قتلگاه



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، رفقا و همراهان گرامی

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی از ماهواره آلترناتیو شورایی از تاریخ جمعه اول فروردین ۱۴۰۴ تغییر خواهد کرد. ساعات جدید پخش برنامه‌های ما از اول فروردین بدین قرار است:

تلویزیون دمکراسی شورایی برنامه‌های روزانه خود را به مدت ۹۰ دقیقه در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت نه و نیم تا یازده شب به وقت ایران پخش می‌کند و تکرار این برنامه‌ها در روزهای سه‌شنبه، پنج‌شنبه، شنبه خواهد بود. تکرار برنامه‌ها از ساعت نه و نیم تا یازده صبح، سه و نیم تا پنج عصر و یازده تا دوازده و نیم شب به وقت ایران است. روز یکشنبه نیز برنامه ما به مدت یک ساعت از ساعت ده و نیم شب تا یازده و نیم خواهد بود. در روز دوشنبه سه بار نیز برنامه یکشنبه با پخش می‌شود. برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه تلویزیون آلترناتیو شورایی از ماهواره "یاه‌ست" [Yahsat] پخش می‌شود.

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید از سایت سازمان فدائیان (اقلیت)، شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام، یوتیوب سازمان فدائیان (اقلیت) و تلویزیون دمکراسی شورایی نیز دنبال کنید.

آدرس تلویزیون دموکراسی شورایی در شبکه‌های اجتماعی:

یوتیوب: tvshora1349، اینستاگرام: tv_shora، فیس‌بوک: tvshora، تلگرام: tvshora

شماره واتساپ برای پیام‌های صوتی و نوشتاری
۰۰۳۱-۶۴۴۶۶۴۰۵ (0031644664405)

آدرس تماس ای میل: tvshorashora@gmail.com

سایت تلویزیون: www.Tvshora.com

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی